

بازخوانی اصل «میراث مشترک بشریت» و تفاوت‌های آن با مفهوم «نگرانی مشترک بشریت»

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۰۲

توکل حبیب‌زاده*

فرنگیس منصوری**

چکیده

اصل میراث مشترک بشریت یکی از نمونه‌های بارز دستاوردهای تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در چارچوب اقدامات ارگان‌های سازمان ملل متحد است که در راستای تحقق اصول عدالت و برابری، همبستگی میان ملت‌ها و نظم نوین بین‌المللی اقتصادی، در اسناد بین‌المللی همچون معاهده ۱۹۶۷ در مورد اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در کاوش و استفاده از فضا، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، اعلامیه جهانی ۱۹۹۷ یونسکو در مورد ژنوم انسانی، کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب و کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو در مورد تنوع فرهنگی پذیرفته شده است.

طی دهه‌های اخیر جریانی عظیم با حمایت اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی به‌ویژه دول در حال توسعه شکل گرفته که در پی گسترش قلمرو اصل میراث مشترک بشریت به موضوعاتی همچون فناوری، ژنوم انسانی، انرژی و... هست. اصرار و پافشاری دول در حال توسعه به این دلیل است که از این طریق بتوانند حداقل بخشی از خواسته‌ها و انتظارات خود را در جهت تعدیل مناسبات اقتصادی و سیاسی حاکم بر صحنه بین‌المللی و تحقق اصل «نابرابری جبران‌ساز» برآورده سازند. بدین ترتیب، دامنه شمول اصل میراث مشترک بشریت رو به افزایش است. با این حال، اگر کاربرد این اصل در مناطقی همچون اعماق دریاهای در محدوده ماورای صلاحیت ملی، فضای ماورای جو و مناطق وسیعی از قطب جنوب تثبیت گردیده است، در خصوص موضوعاتی مانند حقوق بشر، تغییرات آب و هوا، تنوع زیستی و محیط زیست ترجیح با کاربرد مفهوم «نگرانی مشترک بشریت» است؛ زیرا که در این موضوعات حفاظت از منافع مشترک بشری مدنظر است تا نحوه بهره‌برداری و تقسیم منصفانه سود حاصل از منابع مشترک ضمن بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل، این نوشته سعی دارد تفاوت‌های این دو مفهوم در موضوعات مربوط را بررسی نماید.

واژگان کلیدی

میراث مشترک بشریت، منافع عمومی، مدیریت مشترک، نگرانی مشترک بشریت

* استادیار و مدیر گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

habibzadeh@isu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

frang.mansoori@gmail.com

** عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور

۱. مفهوم میراث مشترک بشریت^۱

مفهوم «میراث مشترک بشریت» یکی از مفاهیم نسبتاً جدید و البته شگفت‌انگیز حقوق بین‌الملل است که در دهه‌های اخیر در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله معاهده ۱۹۶۷ راجع به اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، معاهده ۱۹۷۹ در مورد فعالیت کشورها در ماه و دیگر اجرام آسمانی، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اعلامیه جهانی ۱۹۹۷ یونسکو در مورد ژنوم انسانی و کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در مورد میراث فرهنگی زیر آب و کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو در مورد تنوع فرهنگی پذیرفته شده است.

البته هرچند مفهوم میراث مشترک بشریت جدید است، اما آن را برگرفته از اصل قدیمی «متعلق به همه»^۲ می‌دانند که به موجب آن سرزمین یا ناحیه مورد بحث در تملک و تعلق عمومی همه دولت‌ها قرار می‌گیرد، استفاده از آن برای همه دولت‌ها آزاد است و بر طبق آن سرزمین یا منطقه مربوطه قابل تصاحب و تخصیص توسط دولت‌ها و سایر اشخاص نیست. البته اصل «متعلق به همه» در طول تاریخ دچار تحول گشته به گونه‌ای که امروزه مفهوم میراث مشترک بشریت منعکس‌کننده این دیدگاه است. به کارگیری واژه «میراث» در مفهوم میراث مشترک بشریت به جنبه مادی حفاظت مشترک از مناطق و منابع غیرقابل تملک ملی دلالت دارد (Shelton, 2009, p.38).

هیچ کدام از این اسناد و نیز دکترین حقوقی تاکنون تعریف دقیقی از «میراث مشترک بشریت» ارائه ننموده‌اند، بلکه بیشتر به ذکر ارکان و اوصاف چنین مفهومی پرداخته‌اند. این امر ناشی از پیچیدگی مفهوم میراث مشترک بشریت و دامنه رو به گسترش آن است. بعضی معتقدند:

«اصل میراث مشترک بشریت بدین معناست که در ورای فرد، گروه اجتماعی یا دولت باید منافع مالی برتر مجموعه بشریت حفظ گردد و از نعمات جهان و کلیه محسنات زندگی، در چارچوب روح همبستگی که فراتر از مرزهاست، بهره‌مند گردند» (بجاوی، ۱۳۷۶، ص ۲۳).

برخی دیگر در تبیین و تحلیل میراث مشترک بشریت گفته‌اند: «مفهوم میراث مشترک، با یک نظم اکولوژیکی به کل جهان تسری می‌یابد و با پذیرش دولت‌ها

به صورت تعهد به حفظ و مراقبت از گونه های وحشی و اکوسیستم ها به نفع کل جامعه بین المللی شناسایی می شود» (Richardson, 1990, p.145). برخی دیگر هم در تحلیل مفهوم میراث مشترک بشریت عنوان می کنند که این ثروت مشترک میراثی است که نسل حاضر در ایجاد آن نقشی نداشته و از گذشتگان به ما رسیده است و باید تقسیم منافع آن به طور عادلانه و به نفع بشریت انجام شود. از واژه بشریت نیز چنین دریافت می شود که استفاده از این منابع باید به گونه ای باشد که نسل های آینده نیز از آن محروم نمانند (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۷). دکتر وارتوسا رئیس هیئت نمایندگی یوگسلاوی سابق در همایش سوم حقوق دریاها میراث مشترک بشریت را در سه عامل: دارایی مشترک،^۳ مدیریت و اداره مشترک^۴ و توزیع متساوی و عادلانه منافع^۵ تعریف نمود (ملک محمدی نوری، ۱۳۷۰، ص ۲۴۶) و سرانجام، برخی دیگر از نویسندگان میراث مشترک بشریت را به عنوان مفهومی در نظر می گیرند که نشان دهنده تعهدی کلی به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی است، خواه در قلمرو ملی یا ماورای آن واقع باشد (Koester, 1990, p.17).

بدیهی است ارائه تعریفی جامع و دقیق از میراث مشترک بشریت امر بسیار مشکلی است؛ زیرا دامنه شمول آن متحول و گسترده بوده و در هر موضوعی تابع شرایط و مقررات خاص آن موضوع است. با این حال، در تعریف مفهوم مزبور می توان گفت: میراث مشترک بشریت ترکیبی از میراث های ارضی، سماوی و معنوی است که متضمن ارزش و نفع مشترک برای کل نسل های بشری (اعم از گذشتگان، نسل های فعلی و نسل های آینده) بوده و مستلزم فعالیت مشترک و هماهنگ همه ملت ها به نفع همه نسل های حاضر و آینده است.

مفهوم «میراث مشترک بشریت» در بدو امر در مورد نواحی جغرافیایی معین و بدون سکنه و نیز بسیاری از منابع طبیعی کاربرد داشته که شرایط و موقعیت ویژه این نواحی و تأثیری که استفاده از منابع آن ها بر روی منافع نسل های آینده و محیط زیست می گذارد، موجب گردید که چنین نواحی ای از سوی جامعه بین المللی غیرقابل تخصیص و تملک اعلام گردند؛ مثل فضای ماورای جو، اعماق دریاها در محدوده ماورای صلاحیت ملی و قاره جنوبگان. همچنین این مفهوم از سوی یونسکو در مورد

مکان‌ها و موضوعاتی که دارای ارزش معنوی و فرهنگی بسیار زیادی برای کل بشریت هستند، به کار گرفته شده است (Kalland, 2012, p.3). بنابراین، به تدریج دامنه شمول این اصل به بعضی از مناطق جغرافیایی و همچنین موضوعات فرهنگی و معنوی که کل بشریت در آن ذی‌نفع هستند، گسترش یافته است، به طوری که هم‌اکنون بستر و زیر بستر دریاها، ماورای محدوده صلاحیت ملی، فضای ماورای جو، ماه و دیگر اجرام سماوی، مناطق قطبی، و نیز موضوعاتی مانند حقوق بشر و بشردوستانه، میراث باستانی و تاریخی، ارزش‌های فرهنگی و ژنوم انسانی «میراث مشترک بشریت» محسوب می‌شوند.

موضع‌گیری کشورها در قبال مفهوم میراث مشترک بشریت یکسان نبوده است، به گونه‌ای که کشورهای جنوب در حال توسعه در آغاز مطرح شدن موضوع به طور مکرر از این مفهوم دفاع کرده‌اند تا به واسطه آن منافع سیاسی و حقوقی خود را در سطح بین‌المللی توسعه دهند و حمایت نمایند. به هر حال، کشورهای مزبور امیدوار بودند که در آینده نزدیک کاربرد مفهوم میراث مشترک بشریت در معادن کشف‌نشده جهان منافع آن‌ها را تأمین نماید و بتوانند سهم خود را در بازارهای مواد معدنی جهانی حفظ کنند و از این طریق از شدت نابرابری‌های نظام اقتصادی و تجاری جهانی پس از جنگ بکاهند. دول مزبور در سال ۱۹۷۴ به منظور تحقق چنین اهدافی سعی نمودند تا نظم نوین اقتصادی بین‌المللی را بر مبنای انصاف، حاکمیت برابر، منافع مشترک و همکاری همه دولت‌ها بنیان‌گذاری کنند (UN Doc. A/9559/1974). از طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا و متحدانش با تغییر موضع قبلی خود (یعنی حمایت از اصل میراث مشترک بشریت) به طرد کامل آن پرداختند، در حالی که کشورهای سوسیالیستی در برخی موارد این مفهوم را رد و در برخی زمینه‌ها از آن دفاع می‌نمودند (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۴).

۲. شناسایی اصل میراث مشترک بشریت در حوزه‌های مختلف

پدیداری و شناسایی اصل میراث مشترک بشریت دفعتاً و به صورت غیرمنتظره صورت نگرفت بلکه این اصل باید تداوم ایده‌ها و تمایلات موجود و البته نقطه عطفی در بیان

آن‌ها تلقی گردد (Wolfrum, 1983, pp.314-315). هر وقت توزیع یا حمایت از مناطق و منابع واقع در محدوده خارج از صلاحیت ملی در معرض خطر و موضوع بحث بوده، اصل میراث مشترک بشریت مطرح گردیده است. اگرچه مفهوم میراث مشترک بشریت با درج در معاهدات مربوط به فضای ماورای جو رسماً وارد گفتمان حقوقی شد، اما عوامل متعددی در پدیداری و شناسایی اصل میراث مشترک بشریت در مجامع بین‌المللی دخیل بوده‌اند. علاوه بر قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفت و سرانجام در کنفرانس سوم حقوق دریاها قواعد موضوعه مربوط به این اصل تدوین و در بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تشریح گردید.

۲-۱. بستر و زیر بستر دریاها و منابع موجود در آن

یکی از علل و زمینه‌های پیدایش این اصل را باید در وجود منابع سرشار معدنی در بستر و زیر بستر دریای آزاد و برنامه کشورهای صنعتی و صاحب فناوری برای بهره‌برداری از این منابع دانست. کف اقیانوس‌ها در بسیاری از مناطق پوشیده از رگه‌های منگنز به قطر چهار سانتیمتر و حاوی پنجاه درصد منگنز خالص با رگه‌های مهمی از مس و نیکل، کبالت و سایر فلزات است (اکهرست، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵). وجود این ذخایر سرشار در دریاها و اقیانوس‌ها موجب تحرک کشورهای صنعتی و صاحب فناوری برای بهره‌برداری از این منابع، و تلاش کشورهای جهان سوم جهت سهم شدن در منافع حاصل از این بهره‌برداری گردید.

زمینه اولیه شکل‌گیری اصل میراث مشترک بشریت به کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در زمینه فلات قاره برمی‌گردد؛ زیرا در این کنوانسیون حد خارجی فلات قاره مشخص نیست و ماده یک آن از قابلیت استخراج به‌عنوان معیاری برای تعیین محدوده فلات قاره صحبت می‌کند. بنابراین، احتمال افزایش حد خارجی فلات قاره تا وسط اقیانوس‌ها با پیشرفت صنعت و فناوری امری بدیهی به نظر می‌رسید. در این صورت محدوده بیشتری از بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها تحت صلاحیت ملی دولت‌ها قرار می‌گرفت که تنها کشورهای صاحب فناوری امکان بهره‌برداری و استخراج منابع

معدنی موجود در این نواحی را دارا بودند. در چنین اوضاع و احوالی دول توسعه یافته و در حال توسعه نظر واحدی در خصوص نحوه بهره‌برداری از منابع مزبور را نداشتند. وجود چنین مسائلی موجب گردید که اصل «میراث مشترک بشریت» از سال ۱۹۶۷ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شود. دکتر اروید پارديو^۶ رئیس هیئت نمایندگی کشور مالت در سازمان ملل طی نطقی مفصل در نوامبر ۱۹۶۷ در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام نمود که رژیم بین‌المللی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را باید بر اصول «نوین»، «منصفانه» و «اخلاقی» استوار کرد و میراث مشترک بشریت اصلی است که چنین خصوصیتی را دارد (میرعباسی، ۸۰-۱۳۷۹، ص ۵۹). وی پس از تشریح کلیه عوامل اقتصادی، فنی و سیاسی و لزوم وضع قواعد جدید پیشنهاد نمود که بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها و منابع موجود در آن به‌عنوان «میراث مشترک بشریت» و خارج از هرگونه صلاحیت ملی کشورها اعلام گردد. به‌طور کلی اصول اساسی مربوط به نطق اروید پارديو راجع به اصل «میراث مشترک بشریت» به ترتیب ذیل تبیین شده است:

- ۱- اصل سرزمینی، بدین معنی که ناحیه جغرافیایی مورد نظر نمی‌تواند توسط دولت‌ها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی تصاحب گردد.
- ۲- اصل اقتصادی که به موجب آن، استفاده از منابع ناحیه مورد نظر باید در جهت نفع همه بشریت صورت گیرد.
- ۳- اصل امنیتی بدین مفهوم که نواحی جغرافیایی مورد نظر باید منحصراً برای اهداف صلح‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد.
- ۴- ضرورت حمایت و حفاظت از محیط زیست ناحیه جغرافیایی مورد نظر.
- ۵- اصل ساختاری که تأسیس یک نهاد بین‌المللی برای قانون‌گذاری، اداره، کنترل صلاحیت‌ها و توزیع منصفانه منافع مالی و اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند (Suy, 1992, p.94).

به هر حال پیشنهاد نماینده مالت با حمایت سایر دول در حال توسعه مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت. متعاقب این امر مجمع عمومی جهت بررسی موضوع کمیته‌ای موسوم به «کمیته بستر دریاها»^۷ تأسیس نمود که اقدامات آن منجر به تصویب دو قطعنامه در مجمع عمومی گردید:

۱) قطعنامه شماره ۲۷۵۴ مجمع عمومی موسوم به «قطعنامه مهلت تعلیق عملیات» که در سال ۱۹۶۹ تصویب شد.^۸ به موجب این قطعنامه نه تنها بهره‌برداری از بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها خارج از محدوده صلاحیت ملی توسط دولت‌ها و اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) ممنوع گردید بلکه اعلام شد که هیچ ادعایی بر مناطق فوق به رسمیت شناخته نمی‌شود.

۲) قطعنامه ۲۷۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل درباره اصول حاکم بر بستر و زیر بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها واقع در ماورای محدوده صلاحیت ملی مصوب ۱۹۷۰.^۹ به موجب این قطعنامه بستر و زیر بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها و نیز منابع واقع در آن‌ها «میراث مشترک بشریت» است و هیچ دولت یا شخصی اعم از حقیقی و حقوقی نمی‌تواند هیچ‌گونه ادعایی نسبت به منطقه و منابع آن داشته باشد.

به این ترتیب، هیچ کشوری نمی‌تواند بخشی از منطقه اعماق دریاها و اقیانوس‌ها و نیز منابع واقع در آن‌ها را به خود اختصاص دهد و یا مدعی حاکمیت یا حقوق ناشی از حاکمیت بر آن‌ها شود. بنابراین باید یک نظام بین‌المللی برای نظارت بر تمامی فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج در منطقه ایجاد شود تا بهره‌برداری از منابع غنی آن به نفع تمامی ملت‌ها و در جهت مقاصد صلح‌جویانه بدون هیچ‌گونه تبعیضی در اختیار کشورها قرار گیرد.

۲-۲. فضای ماورای جو

معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی،^{۱۰} اگرچه به‌صراحت به اصل «میراث مشترک بشریت» اشاره ندارد، اما مقرر می‌دارد که فضای ماورای جو باید به‌عنوان «قلمرو همه بشریت»^{۱۱} محسوب شده و هیچ دولتی نمی‌تواند مدعی حاکمیت بر آن شود. به‌علاوه در این معاهده به اصول اساسی میراث مشترک بشریت همچون اصل آزادی فضا (ماده ۱)، اصل عدم تملک و تصاحب فضا ماورای جو (ماده ۲) و اصل استفاده مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو (ماده ۴) اشاره شده است.

اما موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت‌های دول در کره ماه و دیگر اجرام آسمانی موسوم به معاهده کره ماه که در ۵ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید،^{۱۲} به صراحت عبارت میراث مشترک بشریت را به کار برده است. ماده ۱۱ معاهده مزبور مقرر می‌دارد که «کره ماه و منابع طبیعی آن میراث مشترک بشریت است». بر این اساس به موجب ماده مزبور کره ماه و منابع طبیعی واقع در آن به هیچ‌وجه تحت مالکیت، تصرف و یا استفاده انحصاری قرار نخواهد گرفت.

۳-۲. دانش فنی به‌مثابه میراث بشری

پیش‌نویس اصول راهنما (کد رفتاری) بین‌المللی راجع به انتقال فناوری مورخ ۶ مه ۱۹۸۰ میلادی، فناوری یا دانش فنی را میراث بشری دانسته و در بند دوم مقدمه اعلام می‌دارد:

«با اعتقاد به اینکه فناوری کلید پیشرفت بشریت است و همه مردم حق دارند از پیشرفت‌ها و توسعه علم و فناوری به‌منظور ارتقای استانداردهای زندگی خود بهره‌مند گردند» (The International Code of Conduct on ..., 1980).

۴-۲. ژنوم انسانی

اعلامیه جهانی (۱۹۹۷) یونسکو در مورد ژنوم انسانی و حقوق بشر در ماده (۱) خود اطلاعات ژنتیکی و ژنوم انسانی را به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناخته است و در ماده (۱۲) تصریح می‌نماید که «منافع حاصل‌شده از پیشرفت علم وراثت و پزشکی در موضوع ژنوم انسانی، با احترام به کرامت و حقوق انسانی تمامی افراد در دسترس همگان قرار خواهد گرفت» (Universal Declaration on the Human Genome and (Human Rights, 1997).^{۱۳}

۵-۲. میراث فرهنگی زیر آب

در اسناد بین‌المللی دیگری میراث فرهنگی زیر آب به‌عنوان میراث مشترک بشری پذیرفته شده است؛ کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی

زیر آب^{۱۴} به طور نمادین میراث فرهنگی زیر آب را در بند (۱) مقدمه بخش جدایی ناپذیر میراث مشترک بشریت می داند.

۶-۲. تنوع فرهنگی

در اسناد متعددی تنوع فرهنگی نیز به عنوان بخشی از میراث مشترک بشری شناخته شده و بر حفظ و حمایت از آن به نفع نسل های حال و آینده تأکید گردیده است. از جمله این اسناد موارد زیر قابل ذکر است: قطعنامه ۵۶/۱۵۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۲ (بند ۱۳ مقدمه)،^{۱۵} بخش ب (۸) (بند ۵۲) بیانیه اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ (World Summit on the Information Society, 2003)، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۱ یونسکو،^{۱۷} «کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی» مصوب سال ۲۰۰۵ از سوی یونسکو^{۱۸} و نیز بند (I) مقدمه «بیانیه و برنامه عمل تهران در خصوص حقوق بشر و تنوع فرهنگی، مصوب نشست وزرای خارجه جنبش عدم تعهد در همین موضوع در ۳-۴ سپتامبر ۲۰۰۷ در تهران»^{۱۹}.

۷-۲. گونه های مهاجر و حیات وحش

اصل میراث مشترک بشریت نه تنها در کنوانسیون های بین المللی بلکه در چندین کنوانسیون منطقه ای هم مورد پذیرش قرار گرفته است، از جمله در کنوانسیون ۱۹۷۹ بن در مورد حمایت از گونه های مهاجر^{۲۰} و کنوانسیون ۱۹۷۹ برن راجع به حمایت از حیات وحش و طبیعت اروپا.^{۲۱} کنوانسیون اخیر در مقدمه بیان می دارد: «حیات وحش و طبیعت میراث طبیعی، علمی، فرهنگی، تفریحی، اقتصادی و دارای ارزش ذاتی است که ضرورت دارد حفظ شده و به نسل های آینده منتقل گردد».

به هر حال، شناسایی فضای ماورای جو، منابع بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس ها در ماورای قلمرو صلاحیت ملی دولت ها، ژنوم انسانی، میراث فرهنگی زیر آب و تنوع فرهنگی در اسناد فوق الذکر به عنوان میراث مشترک

بشریت بدین معناست که «هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به حقوق فردی مفروض خود، مدعی بهره‌برداری انحصاری و بدون نظارت از فضا یا منابع بستر دریاها در ماورای قلمرو صلاحیت ملی، یا میراث فرهنگی زیر آب یا اطلاعات ژنتیکی شده یا به حریم تنوع فرهنگی تعرض نماید» (بیگزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

بدین ترتیب مفهوم میراث مشترک بشریت در فرایند شکل‌گیری‌اش به‌عنوان یک اصل حقوقی، ابتدا در مجامع بین‌المللی و قطعنامه‌های گوناگون و مکرر سازمان ملل و آنگاه در چندین اعلامیه و معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای مورد پذیرش قرار گرفت و سپس در رویه کلیه کشورها پذیرفته شد و تنها در زمینه چگونگی اجرای آن اختلافاتی بین دول در حال توسعه و تعدادی از دول توسعه یافته وجود دارد. لذا اصل مزبور به تدریج از یک قاعده غیرالزام‌آور (سافت لا) به یک قاعده حقوقی لازم‌الرعایه تبدیل شده است. هرچند برقراری رژیم حقوقی میراث مشترک بشریت هنوز تا مرحله‌ای که بتواند عملاً نیازها و اهداف جامعه بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را برآورده سازد و در برقراری نظام نوین اقتصادی بین‌المللی و کاهش فقر و بی‌عدالتی مؤثر بیفتد، فاصله زیادی دارد، و حتی هنوز مقاومت‌هایی از سوی مکاتب سنتی حقوق در برابر تبلور همه‌جانبه این اصل وجود دارد، اما برای تحقق عملی چنین نظامی باید تلاش نمود.

۳- اصول و عناصر اساسی میراث مشترک بشریت

وقتی ناحیه‌ای و حتی منابعی به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناخته می‌شود، اصول و قواعدی بر آن حاکم می‌گردد که عمده‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

(۱) منطقه و ناحیه مورد نظر در چارچوب نظام میراث مشترک بشریت قابل تصاحب و تخصیص از سوی دولت‌ها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی نیستند. در واقع اولین عنصر میراث مشترک بشریت این الزام را به همراه دارد که نه ناحیه مورد نظر و نه منابع آن قابل تملک نیست. البته لازم به ذکر است که اصل عدم تخصیص ملی شاید در مورد برخی مناطق صحیح باشد، ولی در مورد برخی دیگر از مناطق به‌ویژه

مناطقى که در قلمرو ملی واقع شده‌اند و همچنین منابع و مصادیق جدیدتر میراث مشترک بشریت، مفهوم «استفاده غیرانحصاری» جایگزین مناسب‌تری است (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶). به‌ویژه در خصوص آن دسته از میراث‌های مشترکی که در محدوده قلمرو ملی دولت‌ها قرار می‌گیرند، اصل حاکمیت سستی و تأکید دولت‌ها بر حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی خود یک مانع اساسی در راه توسعه و کاربرد مفهوم میراث مشترک بشریت به چنین موضوعاتی است. شاید به همین دلیل است که برخی پذیرش اصل میراث مشترک بشریت را در ارائه مفهومی جدید از حاکمیت میسر و منطقی می‌دانند که:

«به موجب آن اجازه داده نشود که منافع ملی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی کشورها بر منافع جهانی بشر برتری یابد. در این بعد جدید از حاکمیت، میراث مشترک بشریت به این معناست که هیچ دولتی نباید از میراث مشترک معینی استفاده کند، مگر اینکه در استفاده و حفاظت از آن‌ها سود مشترک بشر لحاظ شود. این امر مستلزم آن است که دولت‌ها، سرزمین خود را تحت نظارت و قیمومیت بشر قرار دهند» (جمالی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

۲) استخراج و بهره‌برداری از منطقه و ناحیه مورد نظر باید در چارچوب یک نظام مدیریتی مشترک و عمومی انجام گیرد. این عنصر در واقع اساس دکترین میراث مشترک بشریت را تشکیل می‌دهد زیرا به موجب آن چارچوب و سازوکاری ایجاد می‌شود که از طریق آن هدف مربوط به نظام مدیریتی مشترک محقق می‌شود. ایجاد یک ساختار بین‌المللی با مشارکت جهانی برای تأمین منافع همه بشریت یک اصل ضروری است. چنین ساختار و سازوکاری باید منعکس‌کننده یک نظام تصمیم‌گیری جهان‌شمول بوده و با حقوق مشروع جامعه بین‌المللی مطابقت داشته باشد.

۳) تسهیم و بهره‌مندی از منافع منطقه و ناحیه مورد نظر باید منصفانه و بدون هیچ‌گونه تبعیض و با ملاحظه نیازمندی دول در حال توسعه و نسل‌های آینده صورت گیرد. در نظام میراث مشترک بشریت، منافع اقتصادی حاصله باید توسط جامعه جهانی بر مبنای اصول عادلانه و منصفانه تقسیم شود (Chopra, 1988, p.174) همچنین جهت تضمین حمایت و حفاظت از منافع نسل‌های آینده، بهره‌برداری باید به‌نحو معقول و

متعادل و با رعایت اصول زیست محیطی انجام شود، به گونه‌ای که از نقصان فاحش منابع خودداری گردد.

۴- استفاده صلح‌آمیز از منطقه و ناحیه مورد نظر، بدین معنی که تمامی اقدامات دارای ماهیت نظامی در آن ممنوع خواهد بود.

۵- یکی دیگر از عناصر میراث مشترک بشریت رعایت اصول و استانداردهای زیست محیطی در مناطق شناخته‌شده به این عنوان است. بر این اساس در اسناد و معاهدات متضمن مفهوم میراث مشترک بشریت از جمله معاهدات مربوط به فضای ماورای جو مقرراتی در حمایت و حفاظت از محیط زیست در برابر خطرات و آسیب‌ها و خسارات ناشی از فعالیت‌های استخراج و بهره‌برداری پیش‌بینی شده است.

۶. اجرای برخی از اصول و عناصر میراث مشترک بشریت در مورد موضوعاتی همچون ژنوم انسانی، میراث فرهنگی، تغییرات آب و هوا و به‌ویژه تنوع فرهنگی بسیار مبهم است. به‌عنوان مثال «نفع بشریت» که یکی از اصول میراث مشترک بشریت است، در خصوص میراث فرهنگی، تنوع فرهنگی و تنوع زیستی آن‌گونه که در خصوص منابع بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها، فضای ماورای جو و قطب جنوب مادی و محسوس است، به‌طور مستقیم جنبه اقتصادی و مادی ندارد. البته،

«تنوع فرهنگی یک ضرورت برای حیات جامعه بین‌المللی است و آنچه از آن به‌عنوان نفع بشریت در مقوله تنوع یاد می‌کنیم، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه پایدار، تضمین احترام حقوق بشر و کرامت و ارزش انسانی و حقوق مشترک جهانی است» (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

در مورد ژنوم انسانی هم هرگونه پیشرفتی در این خصوص و نیز کلیه اطلاعات حال و آینده مربوط به آن، باید در جهت منفعت عمومی بشریت بدون تبعیض و با لحاظ نمودن نابرابری در توسعه مناطق مختلف جهان اختصاص یابد (بجاوی، ۱۳۷۶، ص ۱۶). همچنین فرهنگ به لحاظ ویژگی ذاتی همانند فضا قابل تملک و تخصیص نیست. فرهنگ‌های مختلف و متنوع به همه جوامع بشری تعلق داشته و اصل عدم تخصیص در این خصوص قابل اعمال نیست (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۳۴). البته هویت

ژنتیکی هر فرد به خود همان شخص تعلق دارد. بنابراین اعمال اصل عدم تخصیص در خصوص ژنوم انسانی نامعین است؛ هرچند:

«این مسئله وجود دارد که او همراه سایر انسانها سازنده «بشریت» خود است. لذا ژنوم انسانی به خودی خود یک عامل سازنده اصلی و یک ارزش خدشه ناپذیر است که به نوع بشر در کلیت خود در ورای تنوعات بیولوژیک تعلق دارد» (بجاوی، ۱۳۷۶، ص ۱۷).^{۲۲}

هدف اصلی از شناسایی موضوعاتی همچون تنوع فرهنگی، میراث فرهنگی، تنوع زیستی و ژنوم انسانی به عنوان میراث مشترک بشریت، حفظ و حمایت از این میراث های فرهنگی و اطلاعاتی ژنتیکی مهم به نفع بشریت بوده است و بیشتر بر جنبه های معنوی آنها تکیه شده تا بر جنبه اقتصادی شان. شاید به این دلیل است که برخی پیشنهاد می کنند عبارت «نگرانی و دغدغه مشترک» مناسب تر از «میراث مشترک» در خصوص این گونه موضوعات است؛ زیرا:

«در این صورت بدون دغدغه در مورد عناصر میراث مشترک بشریت، آنچه از میراث مشترک دنبال می کنیم، در نگرانی مشترک حاصل می شود» (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

۴. «نگرانی مشترک بشریت»^{۲۳}

«نگرانی مشترک بشریت» را به عنوان مفهومی توصیف می کنند که بر اساس آن جامعه بین المللی می تواند در خصوص منابع و موضوعاتی که بیشتر تأکید بر حفظ آنهاست و نوعی نگرانی عمومی درباره حفاظت و به ویژه انتقال آنها به نسل های آینده وجود دارد، همکاری و اقداماتی جمعی در راستای حفاظت از آنها به عمل آورد (Trinidad & Attard, 1991, pp.9-10). از سوی دیگر، برخی معتقدند که «نگرانی مشترک ایده ای است که اساساً مشکلات و فرایندها^{۲۴} را مدنظر دارد تا منابع و مناطق مشترک که در مورد تغییرات آب و هوا و تنوع زیستی اعتبار یافته است» (Pahuja, p.20). این مفهوم به عنوان یک مفهوم زیست محیطی در جریان مذاکرات بین المللی مربوط به ضرورت مقابله با انتشار گازهای گلخانه ای و در نتیجه گرم شدن اتمسفر زمین مطرح

گردید. مبنای این مفهوم شناسایی منافع مشروع جامعه بین‌المللی در خصوص اظهار نگرانی نسبت به موضوعات و ارزش‌هایی است که برای جامعه بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردارند و ماهیتاً کل این جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، همه دولت‌ها در قبال نگرانی مشترک نسبت به این موضوعات مسئولیت داشته و ملزم هستند در راستای تضمین حفاظت از آن‌ها به‌ویژه در خصوص آب و هوا و تنوع زیستی در جهت منافع نسل‌های حال و آینده با یکدیگر همکاری نمایند (Horn, 2004, p.244). مشکلات زیست‌محیطی، تخریب لایه اوزون و بهره‌برداری از منابع اقیانوس‌ها دغدغه مشترک بشری هستند؛ زیرا نمی‌توان آن‌ها را با تلاش‌های ملی و حتی منطقه‌ای مدیریت

نمود و بلکه حفاظت از آن‌ها نیازمند همکاری و هماهنگی همه‌جانبه در سطح بین‌المللی بوده و امروزه به یکی از کارویژه‌های حقوق بین‌الملل تبدیل شده است (Gabcikovo-Nagymaros, 1997, p.115).

مفهوم نگرانی مشترک بشریت با این ایده که برخی ارزش‌ها و منافع مشترک بشری در سطح بین‌المللی وجود داشته و از اهمیت خاصی برخوردارند، کاملاً مرتبط است. ایده‌ای که در پذیرش و اعلام مفاهیم قاعده آمره بین‌المللی^{۲۵} در ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات و به‌ویژه تعهدات مربوط به همه^{۲۶} از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن مستتر است (Shelton, 2009, p.34). بدیهی است که مدیریت درست موضوعاتی که برای جامعه بشری اهمیت حیاتی داشته و با منافع همگان و حتی نسل‌های آینده مرتبط است، اقدامات جمعی می‌طلبد و احتمال ایراد خسارت‌های جبران‌ناپذیر به این منابع و منافع نگرانی مشترک بشری را به دنبال دارد.

۴-۱. شناسایی مفهوم «نگرانی مشترک بشریت» در اسناد بین‌المللی

در نیمه دوم قرن بیستم موضوعات حیاتی برای جامعه بین‌المللی مانند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر و بشردوستانه، حق تعیین سرنوشت، مبارزه با بی‌کیفری در چارچوب اصول و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری از ظهور و شناسایی برخی

ارزش های مشترک بشری حکایت داشتند، بدون اینکه اصطلاح «نگرانی مشترک بشریت» در مورد آن ها به کار گرفته شود. مفهوم نگرانی مشترک بشریت با عبارات مختلفی مانند منافع مشترک و نگرانی بین المللی در موضوعات فوق الذکر بیان شده است (UN, Commission on Sustainable Development, 1996, para. 82). اما اصطلاح نگرانی مشترک بشریت بیشتر به عنوان یک مفهوم زیست محیطی به ویژه در مورد تغییرات آب و هوا در اسناد متعدد غیر الزام آور (سافت لا) مانند قطعنامه های مجمع عمومی ملل متحد، مقدمه کنوانسیون ها و مصوبات کنفرانس های بین المللی استعمال شده است.

۴-۱-۱ تغییرات آب و هوا

در مباحث مربوط به تغییرات آب و هوا در مجامع بین المللی مفهوم نگرانی مشترک بشریت با عبارات مختلف به کرات مورد اشاره قرار گرفته است.^{۲۷} این مفهوم برای اولین بار درباره تغییرات آب و هوا در بند (۱) قطعنامه ۵۳/۴۳ مجمع عمومی ملل متحد به کار رفت (UN Doc A/Res/43/53 (1988)).

«تصدیق می کند از آنجاکه آب و هوا شرط اصلی تداوم زندگی روی کره زمین است، تغییرات آب و هوا نگرانی مشترک بشریت است».

این مفهوم در سال های بعد نیز در قطعنامه های مجمع عمومی تکرار گردید (UN Doc A/Res/44/207 (1989); UN Doc A/Res/45/212 (1990)). از اسناد دیگر مربوط به آب و هوا می توان به کنوانسیون چارچوب در مورد تغییرات آب و هوا^{۲۸} اشاره نمود که در بند (۱) مقدمه خود تصریح می کند که «تغییرات آب و هوای زمین و تبعات منفی آن نگرانی مشترک بشریت است» و نهایتاً کنوانسیون ملل متحد در مبارزه با بیابان زایی (کویرزایی) در کشورهایی که خشک سالی و بیابان زایی شدید را تجربه کرده اند، به ویژه در آفریقا^{۲۹} به مضمون این مفهوم اشاره می کند؛ گرچه اصطلاح نگرانی مشترک در آن به کار نرفته است. بند ۴ مقدمه این کنوانسیون تصدیق می کند:

«بیابان‌زایی و خشک‌سالی مشکل جهانی است، زیرا تمام مناطق دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برای مبارزه با بیابان‌زایی یا تقلیل آثار خشک‌سالی اقدام مشترک جامعه بین‌المللی ضرورت دارد».

در برخی از مواد این کنوانسیون به تعهدات همه اعضا، از جمله کشورهای بیابان‌زایی مواجه نیستند، برای همکاری بین‌المللی در اجرای مفاد آن به‌ویژه در زمینه جمع‌آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات، تحقیقات، انتقال فناوری و ظرفیت‌سازی اشاره شده است.

۴-۱-۲. حفاظت از محیط زیست

شناسایی بین‌المللی محیط زیست به‌عنوان نگرانی مشترک بشریت در «معاهده قاره جنوبگان ۱۹۵۹» صورت گرفت که در مقدمه خود اعلام می‌کند: «به نفع تمام بشریت است که قاره جنوبگان برای همیشه به‌طور انحصاری برای اهداف صلح‌آمیز استفاده شود (...).» در سال ۱۹۹۱ نیز «پروتکل مادرید درباره حفاظت از محیط زیست، الحاقی به معاهده قاره جنوبگان» ضمن اعلام نیاز به تقویت این معاهده، در مقدمه خود به این باور تصریح می‌کند که توسعه نظام جامع برای حفاظت از محیط زیست قاره جنوبگان و اکوسیستم‌های وابسته آن، به نفع همه بشریت است و سپس این قاره را یک منطقه حفاظت شده ویژه می‌نامد.^{۳۱}

کنوانسیون بن سال ۱۹۷۹ مربوط به حفاظت از گونه‌های مهاجر حیوانات وحشی نیز در مقدمه خود تصریح می‌کند: «حیوانات وحشی با تنوع بسیار زیاد بخش غیرقابل جایگزین سیستم طبیعی کره زمین هستند که باید برای خیر و سعادت بشریت حفظ شوند» (بند اول مقدمه). «هر نسل بشر منابع موجود روی زمین را برای نسل‌های آینده نگه می‌دارد و تعهد دارد تضمین نماید که این میراث حفاظت شده و در صورت استفاده، به‌طور معقول بهره‌برداری گردد» (بند دوم مقدمه). و نهایتاً کنوانسیون تنوع زیستی (بیولوژیکی) سال ۱۹۹۲ نیز قابل ذکر است که صراحتاً حفاظت از تنوع زیستی را «نگرانی مشترک بشریت» اعلام می‌دارد.^{۳۳}

۲-۴. مؤلفه‌ها و عناصر مفهوم «نگرانی مشترک بشریت»

برنامه محیط زیست ملل متحد در سال ۱۹۹۰ میلادی کارگروهی را برای مطالعه نگرانی مشترک بشریت در خصوص موضوعات محیط زیست جهانی مأمور کرد که اولین نشست آن در تاریخ ۱۳-۱۵ دسامبر ۱۹۹۰ با همکاری وزارت امور خارجه و دانشگاه مالت در این کشور و نشست دوم آن در تاریخ ۲۰-۲۲ مارس ۱۹۹۱ با حضور مدیر اجرایی برنامه محیط زیست ملل متحد در ژنو برگزار گردد. در گزارش‌های منتشر شده از این نشست‌های کارشناسی برخی از مؤلفه‌ها و عناصر مفهوم نگرانی مشترک تبیین شده و در نوشته‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است که در زیر اشاره می‌شود.^{۳۴}

(۱) مفهوم "نگرانی مشترک" آثار حقوقی به صورت حق و تکلیف ایجاد نمی‌کند، بلکه بیشتر یک اصل راهنماست تا یک قاعده حقوق بین‌الملل عام (Tolba, 1991, p.255) که البته ممکن است به یک اصل حقوق عرفی توسعه یابد؛ نگرانی مشترک با سایر مفاهیم به‌ویژه میراث مشترک، تعهدات مربوط به همه، قاعده آمره و مشترکات جهانی مرتبط است و به دلیل آن که درباره مفهوم میراث مشترک اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، به‌عنوان مفهوم پذیرفته شده است (Horn, 2004, p.247).

(۲) تعریف دقیق مفهوم نگرانی مشترک بشریت و تعیین عناصر آن سخت است. واژه "نگرانی" به توجه و تمرکز بر "علل" و نیز "راهکارها" دلالت دارد (UN, Commission on Sustainable Development, 1996, para. 84). واژه "بشریت" به حقوق بین‌نسلی دلالت دارد و این در حالی است که به سختی می‌توان نسل‌های آینده را در زمره موضوعات حقوق بین‌الملل قرار داد (Barbosa, 1990, p.29). با این وجود، برخی معتقدند که منافع نسل‌های آینده می‌تواند در قلمرو حقوق بین‌الملل مورد حمایت قرار گیرد (Malhotra, 1998, p.42). و واژه "مشترک" به همبستگی در حفاظت از محیط زیست جهانی و در نتیجه تقسیم منصفانه مسئولیت‌ها در تعقیب اهداف مورد نظر دلالت می‌نماید (UN, Commission on Sustainable Development, 1996, para. 84).

(۳) مفهوم تقسیم سود منصفانه^{۳۵} یک مفهوم تبعی^{۳۶} نسبت به نگرانی مشترک بشریت به‌ویژه در مورد تغییرات آب و هواست. این موضوع برای دولت‌های توسعه‌یافته مسئولیتی متناسب با نقش گذشته و حال آن‌ها در تخریب محیط زیست به

دنبال دارد. در واقع، کشورها در تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوا به درجات مختلف نقش دارند و بنابراین، همه آنها در قبال نگرانی‌های مشترک بشریت، مسئولیت مشترک اما متفاوتی دارند (UN, Commission on Sustainable Development, 1996, para. 89). بدین ترتیب، مفهوم نگرانی مشترک مسئولیت مشترک و جهانی دولت‌ها در ماورای مرزهای جغرافیای خود برای کمک به توسعه پایدار منابع جهانی را مطرح می‌نماید (Birnie and Boyle, 2002, pp. 97-98).

۴) مفهوم نگرانی مشترک بشریت بیشتر درباره موضوعات زیست محیطی، تغییرات آب و هوا و تنوع زیستی به کار می‌رود و از این طریق توجه جامعه بین‌المللی را به منبع نگرانی و ضرورت اتخاذ اقدامات مشترک جلب می‌کند، حتی اگر در قلمرو ملی دولت‌ها بوده باشد. اعمال این مفهوم بین حاکمیت دولت‌ها و حفاظت از محیط زیست تعادل برقرار می‌نماید (Horn, 2004, p.249). در این زمینه اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم بیانی به شرح زیر دارد:

"دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل نسبت به بهره‌برداری از منابع خود بر اساس سیاست‌های زیست محیطی خود از حق حاکمیت برخوردارند و همچنین مسئولیت دارند تضمین نمایند که فعالیت‌های آنها در قلمرو سرزمینی یا تحت کنترلشان به محیط زیست دیگر دولت‌ها و مناطق ماورای قلمرو ملی آنها خسارت وارد نکند."

۵) مفهوم نگرانی مشترک بشریت در موضوعات مورد نظر با منافع همه دولت‌ها مرتبط بوده و در نتیجه موجب شکل‌گیری تعهدات مربوط به همه می‌شود که هر دولت یا ذینفع دیگری می‌تواند آن را پیگیری کند (Shelton, 2009, p.39). از سوی دیگر می‌دانیم که سازوکارهای سنتی حل و فصل اختلافات در خصوص تعهدات مربوط به همه برای تضمین اجرای آنها مناسب نیست زیرا حتی در موارد نقض این تعهدات، دولت‌ها به‌طور انفرادی از حق اقامه دعوا علیه دولت دیگر برخوردار نیستند. شاید به همین دلیل است که معاهدات بین‌المللی ذیربط به جای وضع قواعد رفتاری سعی می‌کنند با ایجاد تعهد به همکاری، آزادی عمل دولت‌ها را محدود نمایند. این نظامات عهدنامه‌ای نیز با اعلام اصول و آیین رسیدگی، ترتیبات نهادی و شکلی متناسب با

موضوع مورد نظر را برای تضمین اقدام جمعی ایجاد می‌کنند (Shelton, 2009. P.39). برخی نویسندگان تاسیس سازوکار نظارتی در حمایت از منافع نسل‌های آینده را به صورت نهاد جدیدی در چارچوب سازمان ملل متحد، نهادی در کمیسیون توسعه پایدار، ناظر فردی یا حتی سپردن این وظیفه به نهادهای غیردولتی پیشنهاد نموده‌اند (Malhotra, 1998, p.49).

۵- تفاوت‌های اصل میراث مشترک بشریت با مفهوم نگرانی مشترک

۱-۵. تفاوت در موضوع

همان‌طور که گفته شد، کاربرد میراث مشترک بشریت در مورد مناطق و منابعی است که در جهت حفظ منافع جامعه بشری قابل بهره‌برداری می‌باشد. این مناطق و منابع عموماً فراتر از محدوده صلاحیت ملی دولت‌ها قرار می‌گیرند. اما نگرانی مشترک در خصوص منابع و موضوعاتی همچون محیط زیست است که بیشتر تأکید بر حفظ و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده از طریق همکاری و اقدام جمعی مدنظر می‌باشد تا بهره‌برداری و تقسیم منافع. به علاوه نگرانی مشترک نه تنها با موضوعات، مناطق و مشترکات جهانی بلکه با مناطق و موضوعات واقع در محدوده صلاحیت ملی دولت‌ها هم مرتبط است.

۲-۵. تفاوت در ماهیت

برخی معتقدند که تفاوت میراث مشترک بشریت و نگرانی مشترک در این است که اولی، یک اصطلاح حقوقی به شمار می‌رود، ولی دومی یک واژه سیاسی می‌باشد (Kirgis, 1990, p.525). البته ماهیت سیاسی نگرانی مشترک بشریت اگرچه آن را انعطاف‌پذیرتر از میراث مشترک بشریت می‌کند ولی می‌تواند آن را تابع ملاحظات سیاسی جامعه بین‌المللی قرار دهد.

۳-۵. تفاوت در تقسیم مسئولیت

نگرانی مشترک به عنوان تعهد مشترک نسبت به موضوعات فوق‌العاده مهم همچون محیط زیست برای جامعه بین‌المللی است، در حالی که میراث مشترک به اجرای حق دسترسی به منابع و منافع ناشی از استخراج مربوط می‌شود. به عبارت دیگر نگرانی

مشترک به تقسیم مسئولیت حفظ محیط زیست و میراث مشترک به تقسیم منافع حاصل از بهره‌برداری از منبع مورد نظر مربوط می‌شود (Trinda & Attard:10).

۵-۴. تفاوت در حوزه تخصیص منابع

یکی از اصول و عناصر میراث مشترک بشریت این است که مناطق و منابع شناخته شده به‌عنوان میراث مشترک بشریت قابل تصاحب و تخصیص به دولت‌ها نمی‌باشند. اما اعمال اصل عدم تخصیص در خصوص موضوعاتی همچون محیط زیست دارای ابهام است. برای مثال در خصوص برخی منابع زیست محیطی مثل اتمسفر کارایی ندارد، زیرا اتمسفر دارای نیست که قابل تملک یا تخصیص باشد یا به خاطر بشریت مورد بهره‌برداری قرار گیرد بلکه چیزی است که باید از آن در برابر فعالیت‌های مخرب انسان محافظت شود (Biermann, 1995:13). لذا نگرانی مشترک بشریت از قید عدم تخصیص و تعارض این اصل با اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی خود رهایی می‌یابد.

در مجموع به نظر می‌رسد که میراث مشترک بشریت به بهره‌مندی از مناطق آزاد و مشترکات جهانی و تقسیم منابع حاصل از این بهره‌برداری مربوط می‌شود. اما نگرانی مشترک بشریت بیشتر به مسئله حفاظت در حوزه مسائل زیست محیطی و نیز مبارزه و مقابله با خطرات زیست محیطی که حیات و بقای انسان را تهدید می‌کند، مرتبط است. به‌هرحال، فایده جدایی بین این دو مفهوم در این است که در موضوعاتی همچون محیط زیست، تغییرات آب و هوایی، میراث فرهنگی و تنوع فرهنگی و... کاربرد «نگرانی مشترک» مناسب‌تر از «میراث مشترک» است؛ زیرا در این صورت بدون دغدغه در مورد ابهام و عدم کارایی عناصر میراث مشترک بشریت همچون اصل عدم تخصیص و تقسیم منافع در خصوص این موضوعات، هدفی که دنبال می‌شود، نوعی نگرانی مشترک در خصوص حفاظت و حمایت از آنهاست.

۶. ارزش حقوقی قواعد مربوط به اصل میراث مشترک بشریت و مفهوم "نگرانی مشترک بشریت"

صرف نظر از نحوه شکل گیری عرف و دیدگاه هایی که در مورد اهمیت و آثار آن وجود دارد،^{۳۷} عرف بین المللی نه تنها از رویه یکسان و هماهنگ دولت ها ایجاد می شود بلکه تکرار یکنواخت برخی اعمال حقوقی سازمان های بین المللی هم می تواند زمینه ساز ایجاد قواعد عرفی شوند. پروفیسور تونکین حقوقدان مشهور روسی معتقد است:

«تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقش مهمی در ایجاد هنجارهای حقوق بین الملل از طریق عرف ایجاد می کند. در نتیجه تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل که منطبق با منشور بوده و منعکس کننده نظریات دولت های هر دو سیستم (سرمایه داری و سوسیالیسم) است، نقش بزرگی در ایجاد موازین حقوق بین الملل عرفی ایفاء می کند» (مقتدر، ۱۳۵۷، ص ۲۰۹).

بنابراین هرگاه اکثریت عظیمی از دولت ها همواره به نفع قطعنامه ها و اعلامیه های مربوط به یک موضوع رأی داده باشند، این کار به مثابه رویه آن دولت ها و احتمالاً ظهور یک قاعده لازم الاجرا خواهد بود، به عبارت دیگر، تکرار متن و محتوای قطعنامه های پیشین در قطعنامه های بعدی مجمع عمومی حاوی دیدگاه هایی است که تداوم داشته و بازگوکننده قواعدی هستند که ریشه در اسناد ذربط دیگر و در حقوق بین الملل عرفی دارند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸). به علاوه مسئله ارزش و اعتبار حقوقی قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۴ در کمیته ششم این مجمع نیز مطرح گردید و کمیته مزبور اعلام نمود که اگر چه قطعنامه های مجمع عمومی به عنوان یک منبع جدید حقوق بین الملل در نظر گرفته نمی شوند، با این حال، قطعنامه های مزبور دارای این قابلیت هستند که نشانه و دلیلی بر عرف های موجود باشند (طلایی، ۱۳۸۱، ص ۶۹). به هر حال مجموعه قطعنامه ها و معاهدات نامبرده مهم ترین اسنادی هستند که مستقیم یا غیرمستقیم در تایید اصل میراث مشترک بشریت و نیز مفهوم نگرانی مشترک بشریت حایز اهمیت بوده و قابل استنادند. پروفیسور دپویی از تکرار مفهوم نگرانی مشترک بشریت و نیز میراث مشترک بشریت در اسناد غیرالزام آور (سافت لا) چنین نتیجه گیری می کند (Dupuy, 1991, p.427):

"اگر این پدیده تداوم یابد، ظاهراً آثار حقوقی چندی به دنبال خواهد داشت، به ویژه در خصوص مسئولیت زیست محیطی که نسل کنونی در قبال نسل های آینده برعهده دارد."

بدین ترتیب، می توان گفت قطعنامه اعلامی مجمع عمومی تحت عنوان «اعلامیه اصول حاکم بر بستر و زیر بستر دریاها و کف اقیانوس ها، خارج از محدوده صلاحیت ملی» معروف به اعلامیه اصولی و قطعنامه شماره ۱۷۲۱ مورخه ۱۹۶۱ راجع به اصول قانونی حاکم بر فعالیت دولت ها در اکتشاف و بهره برداری از فضای ماورای جو مصوب دسامبر ۱۹۶۳ که به ترتیب با اکثریت آرا و اتفاق آرا بدون هیچ رأی مخالفی به تصویب مجمع عمومی رسیده اند، نشانه ای از رویه دولت ها هستند و از آنجایی که اعتراضی نسبت به اصول بنیادین موجود در این قطعنامه صورت نگرفته است، منجر به ایجاد قواعد لازم الاجرای حقوق عرفی شده اند. به علاوه تعدادی از این اصول بنیادی حاکم بر فضا حتی پیش از انعقاد معاهده ۱۹۶۷ فضا شکل گرفته و از طریق رویه دولت ها تقویت شده اند که از جمله مهم ترین این اصول عبارت اند از:

- ۱) اکتشاف و بهره برداری از فضای ماورای جو برای همه دولت ها آزاد است؛
- ۲) حاکمیت دولت ها به فضای ماورای جو گسترش نمی یابد؛
- ۳) فضای ماورای جو تابع حاکمیت ملی نیست؛
- ۴) دولت ها دارای صلاحیت و کنترل نسبت به اشیای پرتاب شده خود به فضای ماورای جو می باشند (طلایی، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

بنابراین، دولت های غیرعضو نیز از تعهدات ناشی از معاهدات مزبور مبرا نخواهند بود مگر اینکه مخالفت خود را با اصل میراث مشترک بشریت از زمان شکل گیری آن به طور صریح و مکرر ابراز کرده باشند. البته بعضی هم براین باورند که اصل میراث مشترک بشریت برای اینکه ارزش و اعتبار یک قاعده عرفی پیدا بکند، مستلزم پیش شرط هایی است، از جمله اینکه بخشی از حقوق بین الملل عام تلقی شود و رویه دولت ها هم در این خصوص مبتنی بریک «اعتقاد و باور عمومی» باشد. بررسی رویه و رفتار دولت ها در طول کنفرانس سوم حقوق دریاها و نیز مذاکرات مربوط به استفاده صلح آمیز از فضا و همین طور اعلامیه ها و قطعنامه های مجمع عمومی به اندازه کافی

حاکمی از اعتقاد و باور عمومی دولت‌ها به اصل میراث مشترک بشریت می‌باشد. بنابراین علی‌رغم برخی اختلافات در خصوص اصل و نیز گستره میراث مشترک بشریت، این اصل امروزه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی شده است (Wolfsum, 1983, pp.334-33).

مفهوم نگرانی مشترک بشریت یک مفهوم کلی است که قواعد و تعهدات خاص و صریحی را ایجاد نمی‌کند؛ با این حال، مبنایی را برای اقدام جمعی توسط جامعه بین‌المللی فراهم می‌نماید. این حق اقدام جامعه بین‌المللی در موضوعاتی که منبع نگرانی مشترک بشری در قلمرو صلاحیت ملی هستند، باید با اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها تعدیل گردد. حاکمیت دولت‌ها مشروط بر اینکه الزامات حقوق بین‌الملل درباره حفظ منافع مشترک بشریت رعایت گردد، محفوظ است (Shelton, 2009, pp 38-39).

برخی حقوقدانان اصل میراث مشترک بشریت و نیز مفهوم نگرانی مشترک بشریت را از مصادیق تعهدات عام‌الشمول^{۳۸} و قواعد آمره^{۳۹} حقوق بین‌الملل می‌دانند و استدلال می‌کنند از آنجایی که این مفاهیم با موضوعاتی با ماهیت بشری مرتبط هستند، این امکان وجود دارد که برخی از این حقوق و تعهدات مربوط معیارهای آمرانه‌ای باشند که از سوی کل جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند (Suy, 1992, p.94) و متضمن نفعی برای عموم کشورها هستند (Shelton, 2009, p.39). اصل میراث مشترک بشریت و همچنین مفهوم نگرانی مشترک بشری از سوی دولت‌ها به رسمیت شناخته شده و تنها در زمینه چگونگی اجرای آن‌ها برخی کشورهای توسعه‌یافته مخالفت نموده‌اند. به هر حال، اجرای حقوق و تعهدات مرتبط با این مفاهیم می‌تواند به‌عنوان اهرمی حقوقی در توسعه و تأمین منافع جامعه بین‌المللی به‌ویژه دول در حال توسعه و همچنین تضمین منافع نسل‌های آینده نقش مهم و مؤثری ایفاء نماید.

جمع‌بندی

مفهوم میراث مشترک بشریت یکی از مفاهیم مدرن حقوق بین‌الملل است که ابتدا در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد به‌ویژه قطعنامه مجمع عمومی ۱۹۷۰ موسوم به «اعلامیه اصولی» انعکاس یافت. این اصل بر مبنای یک اساس دقیق حقوقی در چارچوب معاهدات بین‌المللی مربوط به فضای ماورای جو و اعماق دریاها و حتی برخی

معاهدات منطقه‌ای مورد پذیرش قرار گرفته و به شکل یک قاعده مدون حقوق بین‌الملل درآمده است. امروزه کاربرد اصل میراث مشترک بشریت در مناطقی همچون اعماق دریاها و اقیانوس‌ها واقع در ماورای محدوده صلاحیت ملی و نیز فضای ماورای جو از جمله ماه و دیگر کرات آسمانی پذیرفته شده است. بدین ترتیب مناطق نامبرده با توجه به شرایط خاص خود متعلق به هیچ‌کس نبوده و قابل تملک از سوی دولت‌ها و اشخاص نمی‌باشد بلکه در جهت نفع بشریت و بهره‌مندی منصفانه کلیه دولت‌ها از آن تحت رژیم میراث مشترک بشریت قرار گرفته‌اند. حتی برخی از کشورها خواهان گسترش این مفهوم به تمامی مناطق تصرف و تصاحب نشده جهان از جمله قاره جنوبگان شده‌اند.

گستره و شمول اصل میراث مشترک بشریت به موضوعات دیگری همچون محیط زیست، ارزش‌های فرهنگی، ژنوم انسانی و آب و هوا ... توسعه یافته است. با این حال، اعمال و اجرای برخی از عناصر میراث مشترک بشریت همچون «عدم تخصیص و تملک ملی»، «مدیریت بین‌المللی» و «تقسیم سود منصفانه» در مورد این میراث‌ها قابلیت اجرایی ندارد و گرچه جزء مشترکات جهانی هستند، واجد شرایط شناسایی به‌عنوان میراث مشترک بشریت نیستند؛ زیرا همان‌طور که ملاحظه شد نکته مورد تأکید در خصوص این‌گونه میراث‌ها حفاظت از آن‌هاست. به‌علاوه در خصوص میراث‌های فرهنگی و معنوی، منافع مادی و اقتصادی مستقیمی آن گونه که در خصوص بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها و فضای ماورای جو و جنوبگان محسوس است، وجود ندارد.

اگر کاربرد مفهوم میراث مشترک بشریت در مناطق و فضاهاى ماورای محدوده صلاحیت ملی همچون اعماق دریاها و کره ماه در رویه دولت‌ها پذیرفته شده و تنها در خصوص نحوه اجرای آن اختلافاتی موجود است، اما در خصوص دیگر موضوعات و منافع مشترک که تمام یا بخشی از آن‌ها در قلمرو ملی دولت‌ها واقع شده است؛ مانند محیط زیست، تغییرات آب و هوا، تنوع زیستی و... مفهوم نگرانی مشترک بشریت به کار می‌رود و از این مهم حکایت دارد که اولاً نسل کنونی در قبال حقوق و منافع نسل‌های آینده مسئولیت دارد و ثانیاً حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی و مدیریت

تغییرات آب و هوا از عهده دولت‌ها به‌طور انفرادی خارج بوده و به همبستگی جهانی نیازمند است. در عین حال، دولت‌ها در این زمینه با توجه به سهم خود در تخریب محیط زیست، مسئولیت مشترک اما متفاوتی دارند.

یادداشت‌ها

1. common heritage of mankind
لازم به ذکر است که اصطلاحاتی همچون مفهوم (concept)، اصل (principle)، هنجار (norm)، قاعده (rule) در مورد میراث مشترک بشریت به کار برده شده است.
2. res communis
3. joint property
4. joint management and administration
5. equal distribution of interests
6. Arvid Pardo
7. Sea-bed Committee
8. Deadline Resolution Operations Suspended. UN Doc A/Res/2754, 1969.
9. Declaration of Principles Governing the Seabed and the Ocean Floor, and the Subsoil thereof, beyond the Limits of National Jurisdiction, UN Doc.A/Res/2749, 1970.
10. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, Including the Moon and other Celestial Bodies (19 December 1966 (resolution 2222 (XXI)), available at: <http://www.oosa.unvienna.org/pdf/publications/STSPACE11E.pdf> (accessed on 09/01/2013).
11. The province of all mankind
12. Agreement Governing the Activities of States on the Moon & other Celestial Bodies (Moon Treaty), (resolution 34/68, annex)—adopted on 5 December 1979, available at: <http://www.oosa.unvienna.org/pdf/publications/STSPACE11E.pdf> (accessed on 09/01/2013).
۱۳. اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر که در بیست و نهمین اجلاس عمومی سازمان یونسکو در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ به اتفاق آراء به تصویب رسید، نخستین اعلامیه بین‌المللی در این راستا محسوب می‌شود که طی قطعنامه شماره ۵۳/۱۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است (A/RES/53/152 9 December 1998).
14. Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage 2001, available at: http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13520&URL_DO=DO_TOPIC & URL_SECTION=201.html (accessed on 08/01/2013)
15. UN Doc. A/56/156, 15 February 2002 (Human rights and cultural diversity), available at:

<http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/TestFrame/90fbc5592a18562c1256b80004f2fed?Opendocument> (accessed on 09/01/2013)

16. Declaration of Principles - Building the Information Society: a global challenge in the new Millennium
17. UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, 2 November 2001, available at:
http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13179&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html (accessed on 09/01/2013)
18. Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, Paris, 20 October 2005, available at:
<http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001429/142919e.pdf> (accessed on 09/01/2013).
19. Tehran Declaration and Program of Action on Human Rights and Cultural Diversity, NAM 2007/TEHRAN/DOC. 3, available at:
<http://nam.gov.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=3d8fdde0-c122-4e2a-bbee-f36e1c8b319e> (accessed on 09/01/2013)
20. Convention on the Conservation Migratory Species of Wild Animals, 23 June 1979, available at: http://www.cms.int/documents/convtxt/cms_convtxt.htm (accessed on 09/01/2013)
21. Convention on the Conservation of European Wildlife & Natural Habitats, Bern, 19.IX.1979, available at:
<http://conventions.coe.int/Treaty/Commun/QueVoulezVous.asp?NT=104&CM=8&DF=&CL=ENG> (accessed on 09/01/2013)
۲۲. برای مطالعه بیشتر رک. جعفری، ۱۳۷۶.
23. common concern of mankind
برای مطالعه بیشتر در مورد مفهوم نگرانی مشترک بشریت رک به:
UNEP, "II Meeting of the Group of Experts to Examine the Concept of the "Common Concern of Mankind" in Relation to Global Environmental Issues", Geneva, March 20-22, 1991, in **Revista IIDH**, vol. 13, pp.253-258, available at:
<http://www.juridicas.unam.mx/publica/librev/rev/iidh/cont/13/doc/doc29.pdf> (accessed on 10/01/2013).
24. problems and processes
25. Jus Cogens
26. Erga Omnes Obligations
۲۷. اصطلاحات و عبارات زیر در مورد این مفهوم به کار رفته‌اند: منافع مشترک (common interests)، مشترکات جهانی (global commons)، عدالت، مسئولیت و حقوق بین نسلی (intergeneration equity, responsibility and rights) و نگرانی مشترک بشریت (common concern of mankind).
28. United Nations Framework Convention on Climate Change (1992), available at: <http://unfccc.int/resource/docs/convkp/conveng.pdf> (accessed on 18/01/2013).

29. The United Nations Convention to Combat Desertification in Those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, Particularly in Africa, UN Doc A/AC.241/27 (1994) available at:

<http://www.unccd.int/Lists/SiteDocumentLibrary/conventionText/conv-fre.pdf>

این کنوانسیون در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۴ تصویب و در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶ لازم الاجرا شد.

برای اطلاعات بیشتر در مورد آن رک به:

Christine Fuchs, "UN Convention to Combat Desertification: Recent Developments", Max Plank Yearbook of United Nations Law, vol. 12, 2008, pp.287-300.

30. The Antarctic Treaty (1959), available at:

http://www.antarctica.ac.uk/about_antarctica/geopolitical/treaty/update_1959.php

31. Protocol on Environmental Protection to the Antarctic Treaty (The Madrid Protocol), 4 Oct. 1991, available at:

http://www.ats.aq/documents/recatt/Att006_e.pdf (accessed on 13/01/2013).

32. Convention on Migratory Species, 23 June 1979, available at:

http://www.cms.int/documents/convtxt/cms_convtxt.htm (accessed on 13/01/2013)

33. The Convention on Biological Diversity, 5 June 1992, available at:

<http://www.cbd.int/convention/text/> (accessed on 13/01/2013).

این کنوانسیون در ۵ ژوئن ۱۹۹۲ برای امضا مفتوح و در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳

لازم الاجرا گردید.

۳۴. برای مطالعه بیشتر در مورد این نشست ها رک. Barbosa, 1990, pp.27-32.

35. equitable sharing

36. subsidiary concept

۳۷. برای مطالعه در مورد عرف رک به: میرعباسی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۹۷.

38. erga omnes

39. jus cogens

کتابنامه

اکهرست، مایکل (۱۳۷۲)، کلیات نوین حقوق بین الملل، ترجمه مهراپ داراب پور، چ اول، تهران: انتشارات جهان معاصر.

بجاوی، محمد (۱۳۷۶)، «ژنوم انسانی به مثابه میراث مشترک بشریت یا ژنتیک بیم و امید»،

ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۱ (شماره پیاپی

۱۶۶-۱۶۷)، بهار و تابستان.

بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۴)، «تاملی بر تنوع فرهنگی و مذهبی در حقوق بین الملل»، سالنامه

ایرانی حقوق بین الملل و حقوق تطبیقی، شماره اول.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶)، طرح ژنوم انسانی، انتشارات تدوین و نشر آثار علامه.
جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «تنوع فرهنگی: میراث مشترک بشریت»، فصلنامه مطالعات
میان فرهنگی، سال سوم، شماره ۷.
همو (۱۳۸۸)، «نقد نظریه تاریخی حاکمیت در پرتو میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات
سیاسی و بین المللی، دانشگاه آزاد، ش ۳.
همو (۱۳۸۹)، «محیط زیست بین المللی و میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و
بین المللی، شماره ۴.
ضیایی بیگدلی (۱۳۸۶)، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
طلایی، فرهاد (۱۳۸۱)، حقوق بین الملل کاربردی، تهران: انتشارات مجد.
مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۷)، تحولات سازمان ملل متحد، دانشگاه شیراز.
ملک محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۷۰)، قاره جنوگان در حقوق بین الملل و جامعه بین المللی،
تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
میرعباسی، باقر (۱۳۷۶)، حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، تهران: نشر دادگستر.
همو (۷۹-۸۰)، جزوه درس حقوق بین الملل دریاها، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه
تهران.

- Barbosa, J. (1990), "Conclusions of the Meeting", in D.J. Attard, ed., *The Meeting of the Group of Legal Experts to Examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*, Nairobi: UNEP, pp.27-32.
- Birnie, Patricia W. and Boyle, Alan E. (2002), *International Law and the Environment*, Oxford: Oxford University Press.
- Biermann, F. (1995), *Saving the Atmosphere: International Law, Developing Countries and Air Pollution*, Peter Lang Publ. Frankfurt am Main, Vol.1737.
- Chopra, Sudhirk (1988), "Antarctica as a Common Regime: A Conceptual Framework for Coexistence", in Christopher, Joyner (ed.), *The Antarctic Legal Regime*, London: Martinus Nijhoff Publishers.
- Dupuy, P.M. (1991), "Soft Law and the International Law of the Environment", 21 *Michigan Journal of International Law*.
- Gabcikovo-Nagymaros Project Case (Hungary/Slovakia), Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, *ICJ Rep.* 7, September 25, 1997.

- Guruswamy, L. (1995), "International Environmental Law: Boundaries, Landmarks and Realities", *Natural Resources and the Environment*, Fall, pp.43-48.
- Horn, Laura (2004), "The Implications of the Concept of Common Concern of Humankind on a Human Right to a Healthy Environment", *MqJICEL*, Vol. 1, pp.233 – 269.
- Kaland, Arne, "Nature: The Common Heritage of Mankind"? Department of Social Anthropology, University of Oslo, available at: www.sv.uio.no/sai/english/research/groups/perfroming (retrieved on 2012-09-21).
- Kirgis, F.L. (1990), Standing Challenge Human Endeavour's that Could Change the Climate, *AJIL*.
- Koester, V. (1990), "From Stockholm to Brundtland", 20/1-2, *EPL*.
- Malhotra, A. (1998), "A Commentary on the Status of Future Generations as a Subject of International Law", in Emmanuel Agius *et al.* (eds.), *Future Generations and International Law*, London: Earthscan Publishers Ltd.
- Pahuja, Sundya, "Conserving the World Resources?", in Crawford and Koskeniemi (eds.), *Final Draft for the Cambridge Companion to International Law*, Chapter 15, available at: <http://intranet.law.unimelb.edu.au/staff/profileupdate/files/CCIL%20Pahuja1.pdf> (accessed on 20/01/2013)
- Richardson, B.J. (1990), "A Study of Australian Practice Pursuant to the World Heritage Convention", 20/4-5, *EPL*.
- Shelton Dinah (2009), "Common Concern of Humanity", *Iustum Aequum Salutare*, vol.1, pp.33–40, available at: <http://ias.jak.ppke.hu/hir/ias/20091sz/05.pdf>
- Suy, Eric (1992), "Antarctica: Common Heritage of Mankind", in Verhoven, Joe *et al* (ed.), *The Antarctic Environment and International Law*, Ch. 13, Graham and Trotman Ltd., London.
- Tolba Mostafa K. (1991), "The Implication of the Common Concern of Mankind Concept on Global Environmental Issues Note to the Group of Legal Experts Meeting of UNEP", Malta, December 13-15, 1990, Revista Instituto Interamericano de Derechos Humanos (Revista IIDH), vol.13, 1991, available at: <http://www.juridicas.unam.mx/publica/librev/rev/iidh/cont/13/doc/doc27.pdf> (accessed on 10/01/2013).
- Trinda, A.A.C. & Attard, D.j. (1991), The Implications of the "Common Concern of Mankind" Concept on Global Environmental Issues" in Iwama, T. (ed), *Policies and Law on Global Warming: International Law & Comparative Analysis*, Tokyo, Japan,.

- Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights*, 11 November (1997), available at: http://portal.unesco.org/fr/ev.php-URL_ID=13177&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- The International Code of Conduct on the Transfer of Technology*, May 6, 1980, U.N. Doc. TD/CODE TOT/33, May 12, 1981.
- UN Doc A/Res/2749 (1970)
- UN Doc A/Res/2754 (1969)
- UN Doc A/Res/44/207 (1989)
- UN Doc A/Res/45/2/2 (1990)
- UN Doc A/Res/9559 (1974)
- UN Doc A/Res/43/53 (1988)
- UN, Commission on Sustainable Development (1996), *Report of the Expert Group Meeting on Identification of Principles of International Law for Sustainable Development Geneva*, Switzerland, 26-28 September 1995, prepared by the Division for Sustainable Development for the Commission on Sustainable Development, Fourth Session, 18 April - 3 May, New York, available at: <http://www.un.org/documents/ecosoc/cn17/1996/background/ecn171996-bp3.htm>
- UNEP Secretariat (1991), *II Meeting of the Group of Legal Experts to examine the Concept of the Common Concern of Mankind in Relation to Global Environmental Issues*, Geneva, March 20-22, in *Revista IIDH*, vol. 13, available at: <http://www.juridicas.unam.mx/publica/librev/rev/iidh/cont/13/doc/doc29.pdf>
- Wolfrum, Rudiger (1983), "The Principle of the Common Heritage of Mankind", *ZaoRV*, 43/2, available at: http://www.hjil.de/43_1983/43_1983_2_a_312_337.pdf (retrieved on 17 August 2012).
- World Summit on the Information Society (2003), *Declaration of Principles - Building the Information Society: a global challenge in the new Millennium*, Document WSIS-03/GENEVA/DOC/4-E, 12 December, available at: <http://www.itu.int/wsis/docs/geneva/official/dop.html> (accessed on 09/01/2013)